

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زبیریان

و

تدوین سیره نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

محمد رضا هدایت پناه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۱

هدایت پناه، محمدرضا، ۱۳۴۵ - ، گردآورنده
زبیریان و تدوین سیره نبوی(ص) // محمدرضا هدایت پناه. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
دوازده، ۵۰۰ص: جدول، نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۰۵: تاریخ؛ ۴۳)
ISBN: 978-600-5486-17-9
بها: ۷۹۰۰۰ ریال
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص [۴۶۱] - ۴۷۴؛ همچنین به صورت زیر نویس.
نمایه.
۱. محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق - سرگذشت نامه - مأخذ. ۲. محمد(ص)، پیامبر
اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق - سرگذشت نامه - نقد و تفسیر. ۳. آل زبیر (خاندان). ۴. محدثان. ۵. صحابه -
احادیث. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۰ ۲/ ۴ ز ۲۳ BP
۲۹۷/۹۳
شماره کتابشناسی ملی
۲۴۱۹۴۴۵



زبیریان و تدوین سیره نبوی ﷺ

مؤلف: محمدرضا هدایت پناه

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۲۰۵؛ تاریخ: ۴۳)

حروفچینی و صفحه آرای: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۱

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۷۹۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰)، نمابر: ۲۸۰۳۰۹۰،
ص.ب. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ • تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی آسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۶۶۹۷۸۹۲۰ و ۶۶۴۰۲۶۰۰
Website: www.rihu.ac.ir Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان رشته تاریخ، مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم این اثر حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدرضا هدایت‌پناه و راهنمایی‌های ارزنده و سودمند حجج اسلام اساتید محترم آقایان رسول جعفریان، مهدی پیشوایی و محمدهادی یوسفی غروی و همه عزیزانی که در به ثمر رسیدن این اثر مساعدت کردند، تشکر و سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: ارزیابی منابع	۷
الف) کتاب‌های سیره	۷
ب) کتاب‌های تاریخ عمومی	۱۵
ج) کتاب‌های تبارشناسی و دودمانی	۱۸
د) کتاب‌های رجال و تراجم‌نگاری	۲۰
فصل دوم: روایان خاندان زبیر در اخبار سیره نبوی ﷺ	۲۱
گفتار اول: زبیر بن عوام سرسلسله آل زبیر	۲۱
زبیر بن عوام (۸ یا ۱۰ یا ۱۲ یا ۱۵ قبل از اسلام - ۳۶ق)	۲۱
گفتار دوم: شرح حال روایان آل زبیر در سیره نبوی ﷺ	۳۰
۱. اسماعیل بن ابراهیم بن عقبه، مولی آل زبیر	۳۰
۲. اسماعیل بن ابی حکیم، مولی آل زبیر	۳۱
۳. جعفر بن محمد بن خالد بن زبیر	۳۱
۴. زبیر بن بکار	۳۲
۵. عامر بن عبدالله بن زبیر، ابوالحارث مدنی	۳۳
۶. عبّاد بن عبدالله بن زبیر	۳۵
۷. عبدالله بن زبیر	۳۶
۸. عبدالله بن عروة بن زبیر	۳۹
۹. عبدالملک بن یحیی بن عبّاد بن عبدالله بن زبیر	۴۱

۴۱	۱۰. عروة بن زبير
۴۶	۱۱. عمر بن عبدالله بن عروة بن زبير
۴۷	۱۲. محمد بن جعفر بن زبير
۴۷	۱۳. محمد بن عبدالرحمن، ابوالأسود مولى آل زبير
۴۸	۱۴. مصعب بن ثابت بن عبدالله بن زبير
۴۹	۱۵. مصعب بن عبدالله
۵۰	۱۶. موسى بن عقیبة بن ابی عیاش مولى آل زبير
۵۱	۱۷. نافع بن ثابت بن عبدالله بن زبير
۵۲	۱۸. وهب بن کيسان مولى آل زبير
۵۳	۱۹. هشام بن عروة بن زبير
۵۵	۲۰. يحيى بن عباد بن عبدالله بن زبير
۵۶	۲۱. يحيى بن عروة بن زبير
۵۷	۲۲. يزيد بن رومان مولى آل زبير
۵۷	۲۳. يعقوب بن يحيى بن عباد بن عبدالله بن زبير
۵۹	فصل سوم: مناسبات آل زبير با خلفا و علويان
۶۰	گفتار اول: مناسبات آل زبير با خلفای سه گانه
۶۲	گفتار دوم: مناسبات آل زبير با امويان
۶۹	فهرست روابط خانوادگی و سببی آل زبير با خلفا و امويان و مروانيان
۷۰	گفتار سوم: مناسبات آل زبير با عباسيان
۷۲	گفتار چهارم: مناسبات آل زبير با علويان
۷۷	فصل چهارم: شاخصه‌های روایات آل زبير در سیره نبوی ﷺ
۷۷	گفتار اول: سهم روایات آل زبير و تأثیر آن در سیره نبوی ﷺ
۷۸	آمار روایات آل زبير در سیره نبوی ﷺ
۸۶	تأثیر آل زبير بر سیره گویان و سیره نویسان
۸۷	طریق نخست: راویان آل زبير
۸۷	۱. ابن شهاب زهری (۵۸-۱۲۴ق)
۸۸	۲. ابن لهیعه (۹۷-۱۷۴ق)
۸۸	۳. ابن اسحاق محمد بن یسار مطلبی (م ۱۵۱ق)
۸۹	۴. ابو معشر سندی (م ۱۷۰ق)
۸۹	۵. عبدالرحمن بن ابی الزناد (۱۰۰-۱۷۴ق)
۸۹	۶. عمرو بن دینار (م ۱۲۶ق)

۹۰	۷. محمد بن صالح بن دینار (م ۱۶۸ق)
۹۰	۸. ضحاک بن عثمان (م ۱۵۳ق)
۹۰	۹. ابو عبیده بن عبدالله بن ابی عبیده بن محمد بن عمار بن یاسر
۹۰	۱۰. وهیب بن خالد بن عجلان باهلی بصری (م ۱۶۵ق)
۹۱	۱۱. مَعْمَر بن راشد (۹۷-۱۵۴ق)
۹۱	۱۲. عبدالملک بن جریج (م ۱۵۰ق)
۹۱	۱۳. وکیع بن جراح بن مَلِیح (م ۱۹۷ق)
۹۲	۱۴. یونس بن بکیر (م ۱۹۹ق)
۹۲	۱۵. حَمَّاد بن سلمه (م ۱۶۷ق)
۹۲	۱۶. صالح بن کیسان (م بعد از ۱۴۰ق)
۹۳	۱۷. مالک بن انس (م ۱۷۹ق)
۹۳	۱۸. عبدالعزیز بن محمد دَرَاوَزْدی (م ۱۸۷ق)
۹۳	۱۹. معاویة بن عبدالرحمن مدنی
۹۴	طریق دوم: حوزه‌های جغرافیایی
۹۴	حوزه مشرق
۹۵	حوزه شام
۹۵	حوزه مصر
۹۵	حوزه یمن
۹۵	حوزه مغرب‌زمین
۹۶	گفتار دوم: ویژگی‌های روایات آل‌زبیر
۹۶	۱. تنوع و فراگیری موضوعات سیره نبوی ﷺ
۹۹	۲. منابع خانوادگی، منبع اصلی آل‌زبیر
۱۰۰	۳. حاکمیت تفکر عثمانی در روایات آل‌زبیر
۱۰۰	الف) دفاع از خلفای سه‌گانه، به‌ویژه خلیفه اول و دوم
۱۰۱	ب) حمایت از سران جنگ‌جمل
۱۰۲	ج) مقابله با فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) به صورت اخبار ساختگی، سانسور، یا تحریف
۱۰۲	د) موضع‌گیری‌های مثبت برای امویان
۱۰۷	ه) تفکر عثمانی برآمده از روایات آل‌زبیر یا منسوب به آنان؟
۱۰۸	۴. روایات محذوف آل‌زبیر در سیره ابن‌اسحاق
۱۱۱	فصل پنجم: منبع‌شناسی روایات آل‌زبیر در سیره نبوی ﷺ
۱۱۱	گفتار اول: منابع خاندانی

۱. عامر بن عبدالله بن زبیر ۱۱۲
۲. عَبَّاد بن عبدالله بن زبیر ۱۱۲
۳. عبدالله بن عروة بن زبیر ۱۱۲
۴. عروة بن زبیر ۱۱۲
۵. عمر بن عبدالله بن عروة بن زبیر ۱۱۲
۶. محمد بن جعفر بن زبیر ۱۱۲
۷. ابوالاسود محمد بن عبدالرحمن (مولى آل زبیر) ۱۱۳
۸. مصعب بن ثابت بن عبدالله بن زبیر ۱۱۳
۹. مصعب بن عبدالله بن مصعب ۱۱۳
۱۰. موسى بن عقبه (مولى آل زبیر) ۱۱۳
۱۱. نافع بن ثابت بن عبدالله بن زبیر ۱۱۴
۱۲. هشام بن عروه ۱۱۴
۱۳. يحيى بن عَبَّاد بن عبدالله بن زبیر ۱۱۴
۱۴. يحيى بن عروة بن زبیر ۱۱۴
۱۵. يزيد بن رومان (مولى آل زبیر) ۱۱۴
- گفتار دوم: منابع غير خاندانى ۱۱۵
۱. اسماء بنت ابى بكر ۱۱۵
۲. ابن ام مكتوم ۱۱۵
۳. ابن شهاب زهرى ۱۱۶
۴. ابوبكر بن عبدالرحمن بن حارث بن هشام مخزومى ۱۱۸
۵. اسامة بن زيد بن حارثه ۱۱۸
۶. اسماعيل بن عبدالله ۱۱۸
۷. أم سلمه همسر رسول خدا ﷺ ۱۱۹
۸. بعض آل الحارث بن هشام ۱۱۹
۹. بشير بن عبدالرحمن بن كعب بن مالك ۱۱۹
۱۰. پدر رضاعى عَبَّاد بن عبدالله ۱۲۰
۱۱. جابر بن عبدالله انصارى ۱۲۰
۱۲. حضرت خديجه عليها السلام ۱۲۰
۱۳. حكيم بن حزام ۱۲۱
۱۴. زياد بن ضميرة بن سعد سلمى ۱۲۱
۱۵. سالم بن عبدالله بن عمر ۱۲۱
۱۶. عامر بن ربيعة بدرى ۱۲۲

۱۲۲	۱۷. عایشه بنت ابی بکر
۱۲۳	۱۸. عبدالله بن انیس
۱۲۴	۱۹. عبدالله بن جعفر بن ابی طالب
۱۲۴	۲۰. عبدالله بن عمرو بن عاص
۱۲۴	۲۱. عبدالله بن کعب بن مالک
۱۲۵	۲۲. عبیدالله بن عبدالله بن ابی ثور
۱۲۵	۲۳. عبید بن عمیر بن قتادة لیثی
۱۲۵	۲۴. عقبه بن حارث
۱۲۶	۲۵. عمرة بنت عبدالرحمن
۱۲۶	۲۶. عیسی بن معمر
۱۲۶	۲۷. مالک بن انس
۱۲۶	۲۸. محمد بن جبیر بن مطعم
۱۲۷	۲۹. محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان
۱۲۷	۳۰. محمد بن عمرو بن عطاء
۱۲۷	۳۱. مروان بن حکم و مسور بن مخرمه
۱۲۸	گفتار سوم: منبع‌شناسی روایات مرسل آل زبیر
۱۲۹	الف) عروة بن زبیر
۱۳۰	ب) هشام بن عروه
۱۳۰	ج) محمد بن جعفر بن زبیر
۱۳۰	د) ابوالاسود محمد بن عبدالرحمن
۱۳۰	ه) عباد بن عبدالله بن زبیر
۱۳۱	نمودار کامل منبع‌شناسی روایی آل زبیر در سیره نبوی ﷺ
۱۴۱	فصل ششم: تحریفات آل زبیر در سیره نبوی ﷺ
۱۴۱	مقدمه: ملاک‌های نقد و بررسی روایات
۱۴۳	گفتار اول: روایات پیش از بعثت
۱۴۳	خواستة نامشروع خواهر ورقه بن نوفل از پدر پیامبر ﷺ!
۱۴۴	نقد سندی
۱۴۴	نقد متنی
۱۴۷	حدیث شق صدر
۱۴۸	۱. نقد سندی
۱۴۸	۲. نقد متنی

۱۴۹ زمان واقعه
۱۴۹ مکان واقعه
۱۴۹ ماده پاک‌کننده
۱۵۱ چوپانی پیامبر ﷺ
۱۵۱ نقد سندی
۱۵۲ نقد متنی
۱۵۴ زید بن عمرو بن نفیل تنها موحد به دین ابراهیمی
۱۵۶ حدیث بلدح و دین پیامبر ﷺ قبل از بعثت
۱۵۶ نقد روایت
۱۶۰ ازدواج پیامبر ﷺ و خطبه عقد
۱۶۱ گفتار دوم: روایات بعثت
۱۶۱ مبعث و اعلام رسالت
۱۶۴ ورقه بن نوفل و تأیید رسالت پیامبر ﷺ
۱۶۴ نقد سندی
۱۶۵ نقد متنی
۱۶۷ ترس پیامبر ﷺ از جن‌زدگی
۱۶۸ نقد سندی
۱۶۸ نقد متنی
۱۶۸ امتحان کردن خدیجه از جبرئیل و عدم جن‌زدگی!
۱۶۹ نقد سندی
۱۶۹ نقد متنی
۱۷۰ گفتار سوم: روایات دوران رسالت در مکه
۱۷۰ نخستین مسلمان
۱۷۱ اسلام آوردن ورقه بن نوفل
۱۷۱ نقد روایت
۱۷۲ خبر پیامبر ﷺ از ورقه بن نوفل در آخرت
۱۷۳ نقد سندی
۱۷۳ نقد متنی
۱۷۳ هجرت خالد بن حزام به حبشه
۱۷۴ نقد روایت
۱۷۴ شرکت زبیر در جنگ با مخالفان نجاشی!
۱۷۵ نقد سندی

۱۷۵	نقد متنی
۱۷۵	تطبیق سوره عبس بر پیامبر ﷺ!
۱۷۶	نقد سندی
۱۷۷	نقد متنی
۱۷۸	حضور عباس بن عبدالمطلب در عقبه دوم
۱۷۹	نقد متنی
۱۸۰	دفاع عباس از پیامبر ﷺ و دعای پیامبر ﷺ در حق او
۱۸۰	نقد سندی
۱۸۱	نقد متنی
۱۸۲	گفتار چهارم: روایات دوران رسالت در مدینه
۱۸۲	ازدواج با عایشه به دستور الهی
۱۸۲	نقد روایت
۱۸۴	عبدالله بن زبیر نخستین مولود پس از هجرت
۱۸۴	نقد روایت
۱۸۶	پدیدار شدن فرشتگان در جنگ بدر به سیمای زبیر
۱۸۷	نقد روایت
۱۹۲	زوبین زبیر در دستان پیامبر ﷺ در احد
۱۹۲	مصعب بن الزبیر
۱۹۲	نقد روایت
۱۹۳	تفسیر آیه تطهیر بر همسران پیامبر ﷺ
۱۹۶	حدیث سدّ الابواب و نقد آن
۲۰۰	حدیث دوستی گرفتن ابوبکر از سوی پیامبر ﷺ و نقد آن
۲۰۰	امامت ابوبکر به هنگام بیماری پیامبر ﷺ و نقد آن
۲۰۳	گفتار پنجم: روایات رحلت پیامبر ﷺ
۲۰۳	رحلت رسول خدا ﷺ در دامن عایشه!
۲۰۳	نقد روایت
۲۰۴	عباس بن عبدالمطلب نخستین نمازگزار بر پیامبر ﷺ!
۲۰۴	نقد روایت
۲۰۵	تعیین مکان دفن پیامبر ﷺ با سخن ابوبکر!
۲۰۶	نقد سندی
۲۰۶	نقد متنی
۲۰۷	میراث رسول خدا ﷺ و منازعه فاطمه علیها السلام با ابوبکر

۲۰۸	نقد روایت
۲۰۸	نقد سندی
۲۰۹	نقد متنی
۲۱۱	توجیه گرایی این نزاع در منابع تاریخی اهل سنت
۲۱۵	توجیه غضب و هجران فاطمه <small>علیها السلام</small> از ابوبکر
۲۲۱	چکیده سخن
۲۲۵	<u>السيرة النبوية برواية آل الزبير</u>
۴۶۱	منابع و مأخذ
۴۷۵	نمایه ها
۴۷۵	نمایه اعلام
۴۸۹	نمایه مکان ها
۴۹۳	فهرست تفصیلی موضوعات

مقدمه

بررسی و شناخت دقیق منابع تاریخ اسلام، به ویژه منابع سیره نبوی ﷺ که به عنوان نخستین حرکت تاریخ‌نگاری در اسلام شناخته می‌شود و به عنوان میراث مکتوب مسلمانان به جای مانده و تأثیر عمیقی بر فکر و فرهنگ مسلمانان باقی گذاشته است، از نیازهای جهان اسلام است و به ما کمک می‌کند تا تصویر درست و شفاف‌تری از وقایع عصر رسالت و پس از آن داشته باشیم.

بررسی اسناد اولیه این منابع و آشنایی با شیوه مؤلفان این کتب، و چگونگی جمع‌آوری، ثبت و تدوین اطلاعات، و نیز مقدار دخل و تصرف آنان در انتقال اخبار، نکات مهمی هستند که محققان باید بر آن توجه کنند.

این مهم از نگاه مستشرقان دور نمانده و اینک در تحقیقات جدید خود تلاش علمی و بنیادین خود را به صورت ارزیابی‌های دقیق بر منابع سیره معطوف نموده‌اند، و نتایج دلخواه خود را به صورت خوراک فکری و فرهنگی در دائرةالمعارف‌های گوناگون و نوشتارهای دیگر به جامعه مسلمان تزریق کرده‌اند^۱ بر ما مسلمانان و به خصوص شیعیان لازم و ضروری است که پیش از فراگیر شدن نتایج دلخواه مستشرقان (که مشاهده می‌شود برخی، آنها را بومی کرده و در مجامع علمی و فرهنگی ارائه می‌کنند)، ما خود به این کارها همت گماشته و در تحقیق و پالایش متون اولیه و مهم گام برداریم.

۱. نوشته‌های مستشرقانی چون لامنس، بروکلن، هوکلی، ساکیس، رونلدسون، ورچیا و گلیری، دکتر فلیپ خوری جتی و بسیاری دیگر که در حوزه اسلام‌شناسی به خصوص زندگانی اهل بیت علیهم‌السلام در دائرةالمعارف اسلام (*Encyclopaedia of Islam*) و ده‌ها کتاب دیگر انعکاس یافته و بر اندیشمندان اسلامی چون دکتر طه حسین مصری در کتابش *الاسلامیات (الفتنة الكبرى)*، علی و بنوه) و دکتر احمد محمود صبحی در کتاب *نظرة الامامة لدى الشيعة الاثني عشرية* تأثیر گذاشته است.

بر این اساس، یکی از موارد بنیادی گسترده و تأثیرگذار در سیره نبوی (به علت تأثیر و گستردگی)، اخبار آل‌زبیر در سیره نبوی است. این روایات که مواد اولیه را در نخستین شکل‌گیری متون سیره تشکیل داده است، نقش مهمی در به تصویر کشیدن حوادث صدر اسلام دارد. آیا به راستی پنجره‌ای که از طریق روایات آل‌زبیر به حوادث دوران رسالت به روی ما باز شده حقیقت‌نماست؟ بدیهی است قضاوت صحیح در این باره زمانی امکان دارد که این اخبار کارشناسانه تحقیق و ارزیابی شده و سره از ناسره بازشناخته شود تا بتوان گفت تصویر بهتر و واقعی‌تری از حوادث دوران رسالت خواهیم داشت. برای رسیدن به این مهم باید به دنبال پاسخی درست، جامع و مستند به سؤالات ذیل بود:

۱. چرا از میان خاندان‌های مکی و مدنی، آل‌زبیر در سیره‌نگاری ممتازند؟
۲. آیا خاندان زبیر در پی انتقال میراث نبوی به نسل‌های بعدی بوده‌اند، یا در پی این حرکت علمی، اهداف دیگری نیز داشته‌اند؟
۳. گرایش سیاسی زیبیریان به کدام احزاب و گروه‌های سیاسی-مذهبی بوده است، و این گرایش تا چه اندازه بر سیره نبوی تدوین شده از سوی آل‌زبیر تأثیرگذار است؟
۴. آل‌زبیر در این حرکت علمی چه تأثیری بر دیگران داشته‌اند، و پرورش‌یافتگان مکتب علمی آنان چگونه بوده‌اند؟
۵. چرا سیره‌نویسان به اخبار این خاندان توجه خاص داشته‌اند؟

اگر بگوییم ما پاسخی کامل، دقیق و جامع به این سؤالات داده‌ایم شاید ادعایی گزاف باشد، ولی کوشیده‌ایم تا در حد امکان راهی برای پاسخگویی به این مشکلات و شبهات باز شود، و گامی هر چند اندک در شفاف‌تر شدن حقیقت مطلب برداشته شود. آنچه به صورت اجمال می‌توان گفت اینکه با ادله و شواهدی که بیان خواهد شد، به نظر می‌رسد آل‌زبیر بیش از آنکه در اندیشه تدوین سیره نبوی و حفظ میراث نبوی و انتقال آن به نسل‌های بعدی باشند، در اندیشه تبیین نقش و سهم خود در پیشبرد اسلام و نیز جایگاه سیاسی و فرهنگی خاندان زبیر و وابستگان آنان در میان مسلمانان بوده‌اند. آنان پس از شکست در عرصه سیاست، یعنی شکست عبدالله بن زبیر در برابر امویان و از دست دادن خلافت، کوشیدند تا در عرصه فرهنگی و علمی جایگاهی نزد خلفا و امرا به چنگ آورند؛ از این رو با نشر اخبار سیره هم در کرسی گزارشگران و تدوین‌کنندگان نخست سیره برای خود امتیاز کسب کردند، و هم با استناد به آن اخبار، خود را در کرسی فقاهت جا زدند. از این‌روست که عروه بن زبیر، برجسته‌ترین چهره علمی و بزرگ این خاندان، از فقهای سبعة مدینه معرفی شده است.

چنان که از عنوان این نوشتار برمی آید، هدف ما نشان دادن نقش زیبیریان در تدوین سیره نبوی است. تدوین سیره نبوی به این علت که میراث مکتوب مدینه است، از راویان و علمای مدنی بیشترین تأثیر را پذیرفته و بر همین اساس در منابع مکتوب به وفور نام آنان و اخبارشان انعکاس یافته است.

در این میان خاندان زیبیر در نقل روایات سیره و تدوین آن نقش ممتازی دارند. نگاهی به متون سیره، همچنان که خواهیم دید، نشان می دهد افراد این خاندان یا کسانی که به نوعی با آنان بستگی دارند، نامشان به تکرار در اسناد سیره دیده می شود. شاید بتوان گفت در میان خاندان های قرشی صدر اسلام، بیش از همه، نام این خاندان به عنوان: سیره دان، سیره نویس، نسب شناس و مورخ در منابع آمده است. این خاندان با توجه به جایگاه سیاسی و علمی خود و نیز ارتباط بسیار نزدیک با خاندان خلیفه اول، از مؤثرترین کسانی بوده اند که در ثبت و ضبط و نقل سیره نقش ایفا نموده اند و به عنوان نخستین سیره نویسان قرن اول هجری شناخته می شوند. از همین رو سیره نویسانی چون ابن اسحاق، واقدی و محمد بن سعد صاحب الطبقات الکبری، گزارش های بسیاری به روایت آل زیبیر در کتب خود آورده اند. زمانی که نگارنده این موضوع را به صورت مقاله و پایان نامه تنظیم می کرد، کتاب جامعی که کارنامه علمی-فرهنگی آل زیبیر را در حوزه سیره نگاری به صورت توصیفی-تحلیلی نوشته باشد در دست نبود. در این زمینه تنها می توان به سه مورد ذیل اشاره کرد:

۱. مغازی رسول الله ﷺ لعروة بن زبیر، بروایة ابی الاسود، به کوشش محمد مصطفی الاعظمی که مکتبه التریة العربی به سال ۱۴۰۱ق آن را انتشار داده است. ابوالاسود معروف به یتیم عروه، از راویان مغازی عروه بن زبیر بوده که شرح حال او در این رساله آمده است. این کتاب تنها به جمع آوری روایات عروه، آن هم از طریق ابوالاسود پرداخته و از تحلیل و موضوعات مرتبط با سیره نگاری آل زیبیر در آن خبری نیست.

۲ و ۳. دو کار شبیه به هم دیگر جمع آوری مغازی موسی بن عقبه است. یکی به کوشش ابومالک محمد باقشیش و نام المغازی لموسی بن عقبه (مغرب، جامعه ابن زهر، ۱۹۹۴م) است و دیگری به کوشش حسین مرادی نسب است با نام المغازی النبوة لابی محمد موسی بن عقبه، که عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد وی بوده و از سوی منشورات ذوی القربی در سال ۱۳۸۲ش چاپ شده است.

نقص اصلی این سه کتاب این است که اولاً، به یک نفر از آل زیبیر پرداخته اند (کتاب اول، به عروه پرداخته است و کتاب دوم و سوم به موسی بن عقبه)؛ ثانیاً این کتاب ها از هرگونه

تحلیل و نقد و بررسی روایات آل‌زیبیر و تأثیر و نقش آنان در ارائه سیره نبوی و خطوط سیاسی حاکم بر روایات آل‌زیبیر خالی هستند.

۴. دو مقاله، یکی با عنوان «منابع و سرچشمه‌های اطلاعات روایی آل‌زیبیر در صدر اسلام» در نیمسال‌نامه تخصصی تاریخ و تمدن اسلامی (س ۳، ش ۵، بهار و تابستان، ۱۳۸۶) و دیگری با نام «گزارش آماری درباره روایان آل‌زیبیر و همسران و موالی آنان» در فصلنامه علمی-تخصصی نامه تاریخ‌پژوهان (س ۵، ش ۱۸، تابستان ۱۳۸۸) هر دو به قلم دکتر محمدرضا غضنفری نوشته شده است. این دو مقاله بخشی از رساله دکتری ایشان بوده که با عنوان «کارنامه علمی و فرهنگی آل‌زیبیر در حدیث و تاریخ‌نگاری» به راهنمایی دکتر محمدعلی بیگی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران تدوین یافته و در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰ دفاع شده است.

۵. مستشرقان نیز در زمینه شناخت منابع سیره و تاریخ، دارای تحقیقات خوبی هستند. از میان آنان می‌توان از ادوارد ساخو،^۱ آندریاس گروک^۲ گریگور شولر^۳ نام برد که به باسازی و تحقیق متون مغازی عروه و موسی بن عقبه به عنوان کهن‌ترین منابع سیره پرداخته‌اند.^۴ به هر روی، هنوز باید پیرامون منابع اولیه بحث و تفحص بسیار کرده و از زوایای مختلف به آنها توجه نمود؛ چرا که هم اینک برخی مستشرقان در اصالت گزارش‌های متون اولیه و تدوین منابع کهن تاریخ اسلامی، تشکیک نموده، که اهمیت توجه جدی به این بخش از تحقیقات اسلامی را به خوبی نشان داده است. با توجه به این نکته، بر آنیم تا با بررسی و نقش‌خاندان زیبیر در تدوین سیره نبوی، گوشه‌ای از این گونه مباحث روشن شود. در اینجا یادآوری چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

الف) منظور از زیبیریان یا آل‌زیبیر یا خاندان زیبیر، فرزندان زیبیر و موالی آنهاست. از این رو، از افراد دیگری که به نوعی با این خاندان ارتباط و وابستگی داشته‌اند، مانند عایشه (خاله فرزندان زیبیر) و اسماء بنت ابی‌بکر، همسر زیبیر و مادر خاندان زیبیر صرف‌نظر شده است.

1. Eduard Sachau

2. Andreas Gorke

3. Greagor Schoeler

۴. برای اطلاع از این تحقیقات رک: هارلد موتزکی، زندگی‌نامه محمد ﷺ، بررسی منابع، ترجمه محمدتقی اکبری و عبدالله عظیمایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶؛ گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دانشنامه سیره نبوی، ج ۱، مقاله «خاورشناسان و مطالعات سیره نبوی» به قلم محمدکاظم رحمتی، ص ۸۵.

چراکه نسب هر کسی از طریق پدر ادامه پیدا می‌کند^۱ و از این رو عایشه و اسماء باید از آل‌ابی‌بکر شمرده شوند.

(ب) در این رساله، تنها نام افرادی از آل‌زبیر آمده، که روایتی از آنها در سیره، نقل شده است.

(ج) سعی بر آن بوده است که اخبار آل‌زبیر در سیره، از تمام کتاب‌های نوشته شده تا اول قرن چهارم هجری، جمع‌آوری و بررسی شود؛ اما به سبب گستردگی کار، تنها به کتاب‌های اصلی در این دوران بسنده شده است.

(د) به علت گستردگی این خاندان و موالیان آنان، مشکلاتی پیش می‌آید که روند تحقیق را کند می‌ساخت؛ از جمله اینکه: گاه سیره ابن‌هشام و یا مغازی واقدی از اول تا آخر مرور می‌شد، و پس از پایان بررسی، نام اشخاص دیگری هم به عنوان موالی آل‌زبیر به میان می‌آمد، که ناچار باید کار مطالعه و مرور از سر گرفته می‌شد (این کار در خصوص سیره ابن‌هشام چهاربار تکرار شد).

(ه) چنان که خواهد آمد، در سلسله اسناد، گاه چند تن از آل‌زبیر قرار دارد. ملاک ما برای اختصاص دادن روایات به هر یک از آنان، اولین فرد از این خاندان بوده است مثلاً در این سند: «یحیی بن عبّاد، عن عبّاد بن عبدالله بن الزبیر، عن عائشه». بر یحیی بن عبّاد تکیه شده است. هر چند در مباحث مختلف سهم هر یک ملاحظه شده و در بررسی‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

(و) در ذیل عنوان «شرح حال راویان آل‌زبیر در سیره نبوی» توثیقاتی از سوی علمای اهل سنت وارد شده است. این توثیقات مانع جرح و تعدیل و رد اخبار آنان نخواهد شد. چراکه نقد سندی بخشی از بررسی یک حدیث است و در کنار نقد متن از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

۱. این موضوع تنها یک استثنا به دلیل نص صریح دارد و آن امام حسن و امام حسین علیهما السلام - فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هستند که به نص صریح رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده شده‌اند و نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها از همین دو امام ادامه خواهد داشت. این تخصیص حتی شامل دیگر فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام مانند حضرت زینب و ام‌کلثوم نمی‌شود (ر.ک: مسند ابی‌یعلی، ج ۱۲، ص ۱۰۹؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۴۴؛ طبری شیعی، بشارة المصطفی، ص ۷۵؛ ابن‌عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۳، ص ۳۳۶؛ مناوی، فیض القدیر، ج ۵، ص ۲۲۰؛ تفسیر الکوسی، ج ۲۶، ص ۱۶۴).

ز) نقد روایات آل زبیر هر کدام خود به اندازه یک مقاله مفصل، قابل طرح و بررسی است؛ و این بحث از حوصله نوشتار ما خارج است، بر این اساس سعی بر آن بوده، در عین اختصار، بحث و بررسی روایات به صورت شفاف و جامع بیان شود.

در پایان لازم می دانم از همه اساتید بزرگوار و ارجمندی که همیشه مرا مورد الطاف بی شائبه خود قرار داده اند تشکر و قدردانی نمایم. به خصوص از استاد محترم جناب حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان و حجت الاسلام والمسلمین استاد مهدی پیشوایی، سپاسگزاری می نمایم که راهنمایی های ارزشمند آنان در ارائه هر چه بهتر این اثر، بسیار سودمند و مؤثر بود.

والله ولیّ التوفیق

فصل اول

ارزیابی منابع

بدیهی است که معرفی تمام منابعی که در این رساله مورد استفاده قرار گرفته است موجب اطالۀ بیش از ضرورت خواهد بود. از این رو تنها به مهم‌ترین منابع مورد استفاده که روایات و اخبار و شرح حال خاندان زبیر بیشتر در آن منابع موجود بوده اشاره و توضیح مختصری درباره هر یک از آنها ارائه خواهد شد.

الف) کتاب‌های سیره

السيرة النبوية

کتاب السيرة النبوية تلخیص کتاب سیره محمد بن اسحاق (م ۱۵۱) به نام المبتدأ والمبعث والمغازی است. کتاب ابن اسحاق دارای چند روایت است که هر کدام به نسخه‌ای خاص شناخته می‌شوند^۱ تنها نسخه باقی مانده نسخه عراقی به روایت زیاد بن عبدالله بکائی است که از سوی عبدالملک بن هشام (م ۲۱۸ق) تلخیص شده و به دست ما رسیده است.^۲

۱. این نسخه‌ها عبارت است از:

۱. نسخه مدنی یا حجازی به روایت ابراهیم بن سعد بن ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف مدنی (۱۱۰-۱۸۴).
۲. نسخه عراقی به روایت زیاد بن عبدالله بکائی کوفی (م ۱۸۳) که دوبار سیره را نزد ابن اسحاق خوانده است و دیگری یونس بن بکیر (م ۱۹۹) است. نسخه ابن بکیر نزد ابن عبدالبر اندلسی و ابن اثیر بوده و از آن در کتاب الاستیعاب فی معرفة الاصحاب و نیز اسد الغابه استفاده کرده‌اند. ۳. نسخه خراسانی که راوی آن سلمة بن فضل رازی (م ۱۹۱) است و طبری از این نسخه در نقل سیره استفاده کرده است. به جز این سه، ابن ندیم و یاقوت حموی از نسخه دیگری به روایت محمد بن عبدالله نمیر نفیلی (م ۲۳۴) نام برده‌اند.
۲. البته در منابع دیگر، سیره ابن اسحاق به روایت راویان دیگری غیر از بکائی به صورت پراکنده گزارش‌هایی از آن آمده است و حتی اخیراً سهیل زکار بخش‌هایی از سیره ابن اسحاق به روایت یونس بن بکیر را یافته و با نام «سیره ابن اسحاق» (المسماة ب) کتاب السیر والمغازی انتشار داده است.

ابن هشام برخی از اشعار و مطالب بی‌ارتباط با سیره و یا گزارش‌هایی را که خود و یا مردم نمی‌پسندیدند، از کتاب ابن اسحاق حذف کرده است. از همین رو این سیره به سیره ابن هشام مشهور شده است. سیره ابن اسحاق و یا سیره ابن هشام نخستین و گسترده‌ترین و منظم‌ترین سیره‌ای است که از قرن دوم هجری بر جای مانده است. ابن اسحاق از پرورش‌یافتگان مکتب حدیثی مدینه و از شاگردان خاص ابن شهاب زهری است. او به سبب اختلافی که با مالک بن انس و هشام بن عروه پیدا کرد حرف و حدیث‌هایی بر ضد او شایع شد که در منابع رجالی انعکاس یافته است. این فشارها و مسائل دیگر باعث شد که وی از حجاز به عراق رفته و در خدمت عباسیان قرار گیرد، او در حیره بود که سیره خود را به منصور و یا مهدی عباسی (در زمان ولیعهدی) هدیه کرد. ابن اسحاق اخبار بسیاری از خاندان زبیر را در کتاب خود آورده است و از این رو کتاب او یکی از منابع مهم شناخت آل زبیر و اخبار آنان است. آنچه در ارتباط با ابن اسحاق و تاریخ‌نگاری او از یک سو و روایات آل زبیر از منظر ابن اسحاق مهم است دو مطلب ذیل است.

مطلب نخست اینکه ابن اسحاق از مورخانی است که برخلاف برخی مورخان دیگر شجاعت آن را داشته است که اخباری را که موافق جامعه سنتی مدینه و گرایش‌های عثمانی نبوده، بیاورد، اما متأسفانه این اخبار نتوانسته از فیلتر و مصلحت‌اندیشی‌های ابن هشام عبور کند و او آنها را حذف کرده است. بعید نمی‌نماید که این موضوع یکی از عوامل مهم اختلاف مالک بن انس با ابن اسحاق بوده باشد. چنین رویکردی در اخبار ابن اسحاق را می‌توان در منابع دیگری یافت. برای نمونه شیخ مفید از کتاب تاریخ الخلفای ابن اسحاق خبری را در ارتباط با مشاجره‌های عایشه با عثمان آورده است. عایشه با در دست داشتن کفش و لباس‌های پیامبر ﷺ خطاب به مردم مدینه می‌گفت: ای مردم! زمان [رسول خدا ﷺ] نزدیک است و این کفش و لباس پیامبر ﷺ است در حالی که میان شما فرعون امت است. راوی می‌گوید: گویا آن لباس را می‌دیدم که می‌درخشید. عثمان به عایشه می‌گفت: ساکت شو! ای مردم او زن است و عقل او چون عقل زنان است که نباید به سخنانش توجهی کرد.^۱ بدیهی است این گزارش که در آن از عثمان به «فرعون امت» آن هم از سوی عایشه تعبیر شده، جسارت و بی‌باکی یک مورخ و مکتب تاریخ‌نگاری او را نشان می‌دهد که امثال مالک آن را برنتابند و او را به انواع تهمت‌ها نسبت دهند؛ زیرا ابن اسحاق برخلاف اصل مهم و

۱. شیخ مفید، الجمل، ص ۱۴۷.

پذیرفته شده محدثان اهل سنت، یعنی «عدالت صحابه»، به گونه‌ای دیگر تاریخ‌نگاری کرده است. بر اساس این اصل مهم وظیفه علما آن است که به مشاجره‌ها و منازعات صحابه نپردازند، بلکه باید از تخطئه و تضعیف صحابه بپرهیزند و هیچ‌کس حق بازگو کردن عیوب آنان را ندارد و باید به شدت از آن دوری گزید در غیر این صورت، شخصی که به این امور پردازد به تعبیر برخی از آنان زندیق و کافر و بدون تردید از دین خارج است^۱ و چنان که مالک گفته هیچ حقی نیز از غنائم مسلمانان نخواهد داشت^۲ و نباید در خوردن و آشامیدن او مشارکت نمود و بر جنازه‌اش نماز گزارد.^۳ احمد حنبل نیز می‌گوید: کسی که چنین کند باید تأدیب شود و اگر توبه نکرد باید آن قدر در حبس بماند تا بمیرد.^۴

بدیهی است مورخی که تاریخ‌نگاری او با این قانون منطبق باشد، و کسی که این قانون را نه در بُعد اعتقادی، بلکه دست‌کم در عمل کنار گذاشته، دو مکتب و دو روش کاملاً متفاوت خواهند داشت و خروجی این دو مکتب یکسان نخواهد بود، همچنان که تدوین شرح حال یک مدخل در صحابه‌نگاری‌ها، بر اساس این دو مکتب یکسان نخواهد بود.

بنابراین، به احتمال زیاد از جنس گزارش یاد شده، روایات زیادی در سیره ابن اسحاق بوده که ابن هشام آن گزارش‌ها را به دلیل مخالفت با مذاق مردم حذف کرده و یا بکائی به همین دلیل بر او روایت نکرده است.^۵ این نوع تاریخ‌نگاری از آن جهت بسیار مهم است که می‌دانیم ابن اسحاق سیره خود را برای مهدی عباسی نوشته و به او هدیه کرده است،^۶ و اگر نقل و اعتراف ابن هشام نبود امکان این فرضیه وجود داشت تا بگوییم به ملاحظه مطلب فوق، ابن اسحاق در دو کتاب تاریخ الخلفاء و سیره نبوی دارای دو روش و مکتب تاریخ‌نگاری بوده و روایت مشاجره عایشه با عثمان مخصوص تاریخ الخلفاء است و چنین رویکردی ارتباطی به سیره‌نگاری او ندارد.

۱. ابن حجر، الاصابه، ج ۱، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

۲. ابن عبدالبر، مقدمه الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۶ و ۲۷، به نقل از: قاضی عیاض، الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، ولی یافت نشد.

۳. ابن حبان، کتاب المجروحین، ج ۱، ص ۱۸۷. مطلب فوق که مضمون حدیثی منسوب به رسول خدا ﷺ است، ابن حبان آن را بی‌اساس و ساختگی دانسته است.

۴. صالح الوردانی، عقائد السنة و عقائد الشیعة، ص ۱۳۸.

۵. ر.ک: سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۴.

۶. ر.ک: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۳۶ و ۲۳۷.

مطلب دوم اینکه ابن اسحاق خاندان زیبیر را به عنوان افرادی که مورد اتهام و سوء ظن خبری نیستند تلقی کرده که در ارزش گذاری این منبع اصلی و کهن روایات آل زیبیر بسیار مهم و حائز اهمیت است. شاید این نگاه برخاسته از سیطره علمی عروه و دیگر خاندان زیبیر و شاگردان آنان، به ویژه ابن شهاب زهری در عرصه فرهنگ دینی قرن نخست بوده که ابن اسحاق نیز نتوانسته است از آن چشم ببوشد، و تحت تأثیر این موج غالب بر جامعه علمی و سیاسی آن زمان قرار نگیرد؛ این در حالی است که برای ابن اسحاق این امکان بوده تا از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که تمام عمر خود را در مدینه بوده اند^۱ آگاهی هایی از سیره نبوی دریافت کند و یا دست کم گزارش های سیره نبوی برخاسته از موج غالب را بر آن دو امام عرضه نماید. شاهد این مطلب روایاتی است که ابن اسحاق از امام باقر علیه السلام نقل کرده است. از جمله روایت یونس بن بکیر از ابن اسحاق است که گفت: نزد ابوجعفر محمد بن علی بودم که عبدالرحمن اعرج از آنجا عبور می کرد. ابوجعفر به او فرمود: ای اعرج این چه مطلبی است که نقل می کنی. عبدالمطلب کسی بود که حجرالاسود را در جای خود نهاد؟! اعرج گفت: این را کسی به من گفته که از عمر بن عبدالعزیز شنیده که حسان بن ثابت چنین مطلبی را گفته است. ابن اسحاق گوید: پس از رفتن اعرج ابوجعفر رو به من کرد و گفت: این سخنی است که به هیچ وجه ما آن را نشنیده ایم و حجرالاسود را کسی جز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با دستان خود بر جایش نهاده است...^۲

این دریافت و عرضه گزارش های سیره از علمای مدنی چون خاندان زیبیر و ابن شهاب و دیگران هیچ ارتباطی به اعتقاد و عدم اعتقاد به امامت اهل بیت علیهم السلام برای شخصیت علمی ای چون ابن اسحاق ندارد، بلکه به یقین امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در نظر علمای آن زمان با هر مذهب و گرایش، به عنوان دو تن از دانشمندان برجسته خاندان نبوی صلی الله علیه و آله و سلم بودند، به خصوص نزد ابن اسحاق که حتی به گرایش های شیعی نیز متهم است. شاهد این سخن بنا به نقل مشهور، چهار هزار نفر شاگردی است که از محضر امام صادق علیه السلام استفاده علمی

۱. این مطلب ارتباطی به مهاجرت ابن اسحاق از مدینه به عراق و تدوین سیره برای مهدی عباسی ندارد؛ زیرا ابن اسحاق اطلاعات خود در سیره نبوی را پیش از مهاجرت به دست آورده بود و در مسافرت های خود به اسکندریه (سال ۱۱۵) و عراق به تکمیل روایات و بیشتر به انتشار اخبار سیره و... مشغول بود و به همین دلیل سیره او در عراق به روایت بکائی و یونس بن بکیر انتشار یافت.

۲. ابن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ص ۱۰۸.

نموده‌اند. البته هر چند این موضوع، یعنی بهره‌گیری علمی ابن اسحاق از امام صادق علیه السلام کاملاً منتفی است، اما درباره امام باقر علیه السلام چنین نیست؛ چرا که وی در کتاب سیره در چهار مورد از امام باقر علیه السلام روایت کرده است.^۱ اما در این استفاده نیز که در مقایسه با استفاده از دیگران در حد نزدیک به صفر است، به آسانی نمی‌توان به ابن اسحاق بدگمان شد؛ زیرا احتمال وجود روایات دیگری از اهل بیت علیهم السلام در سیره ابن اسحاق بوده که ابن هشام به دلیل مخالفت با مذاق مردم آنها را حذف کرده و یا این حذف از ناحیه بکائی بوده است که آنان را بر ابن هشام روایت نکرده است.^۲

در پایان این بحث مناسب است که اشاره شود افراد بسیاری از محققان عرب و مستشرقان درباره ابن اسحاق و سیره او مقالات و رساله‌های مستقل بسیاری نوشته‌اند.^۳

المغازی

نوشته ابو عبدالله محمد بن عمر بن واقد معروف به واقدی (۱۲۹ یا ۱۳۰-۲۰۷ق.)^۴ در مدینه زاده شد و دانش‌اندوزی کرد. تخصص او در مغازی و فتوح است. وی در سال ۱۸۰ق از مدینه به عراق (بغداد) رفت و تا آخر عمر در آنجا ماند. با آمدن مأمون از خراسان او قاضی

۱. ر.ک: سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۳۸ و ۲۵۶؛ ج ۲، ص ۲۷۸ و ۳۳۲؛ ج ۴، ص ۱۴۰ و ۱۹۰.
۲. ر.ک: سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۴. بر این اساس چه اطمینانی وجود دارد که حذف و سانسور سخنان ابوبکر و عمر در جلسه مشورتی پیامبر صلی الله علیه و آله با اصحاب در میانه راه بدر از اقدامات ابن هشام و یا بکائی نبوده باشد و با افزودن کلمه «و أحسن» (سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۶) به جای تمام سخنان آنان که ابن اسحاق بیان داشته خاتمه نداده باشند؟! شاهد این مطلب بخشی از سخنان عمر است که واقدی آورده و به «فقال فاحسن» بسنده نکرده است و اتفاقاً آن سخنان که ضعف و سستی و نومییدی در آنها مشهود است راهنمای خوبی برای کشف سخنان سانسور شده است. آیا جرأت واقدی که گفته‌های عمر را آورده (واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۸) از ابن اسحاق بیشتر بوده است؟!
۳. از جمله هورویتر Horowitz، کایتانی، لامنس، کارل بیکر، نولدکه، ادوارد ساخو، گیپ، بروکلیمان، مرگلیو، مونتگمری وات و فوک که پایان‌نامه خود را درباره ابن اسحاق نوشته‌اند. محققان عرب نیز به‌طور مفصل به ابن اسحاق و سیره او پرداخته‌اند، مانند دکتر جواد علی در موارد تاریخ الطبری، عبدالعزیز الدوری در کتابش بحث فی نشأة علم التاريخ و حسین نصار در نشأة الكتابة الغنیة عند العرب (ر.ک: جمعی از مؤلفان، نقد و بررسی منابع سیره نبوی، ص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ جعفریان، منابع تاریخ اسلام، ص ۵۶-۶۳).
۴. مهم‌ترین و کهن‌ترین منبعی که به شرح زندگانی واقدی پرداخته کتاب الطبقات الکبری نوشته محمد بن سعد شاگرد او است (ر.ک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۴۹۳). خطیب بغدادی نیز در تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴ شرح حال او را آورده است.

شرق بغداد شد، ولی مارسدن جونس می‌گوید این موضوع مربوط به زمان هارون بوده است.^۱ واقدی در ۷۸ سالگی در بغداد درگذشت و در مقبره خیزران دفن شد.

مهم‌ترین بحث درباره واقدی توثیق و تضعیف او از سوی محدثان و علمای اهل سنت است برخی مانند بخاری، احمد بن حنبل و نسائی او را تضعیف و تکذیب کرده‌اند،^۲ و گروهی دیگر از جمله خطیب بغدادی، ابن سیدالناس، ابن کثیر و ابن حجر او را توثیق نموده و از دانش گسترده‌ای که شرق و غرب عالم را پر کرده است تعریف و دفاع کرده‌اند.^۳ ابن ندیم او را شیعی دانسته و واقدی جمله‌ای بلند در این باره دارد که گفته است: ان علیاً کان من معجزات النبی ﷺ کالعصا لموسی و احياء الموتی لعیسی بن مریم عليه السلام.^۴ ابن ندیم گوید: او تقیه می‌کرده است.^۵ ولی شیخ طوسی او را در کتاب الفهرست نیآورده است. و شیخ مفید نیز نه تنها واقدی را شیعه ندانسته، بلکه عثمانی مذهب شمرده است.^۶ مارسدن جونس نیز شواهد دیگری در نقد نظر ابن ندیم آورده است.^۷

آنچه تقریباً همه بدان اعتراف دارند تخصص واقدی در دانش مغازی و تاریخ است. مغازی او، وسعت و دقت بالای وی را در بخشی از سیره، کاملاً نشان می‌دهد. واقدی مغازی خود را در مدینه نوشته و در مسجد النبی ﷺ آن را تدریس می‌کرد. وی اخبار خود را در مجموع از اهل مدینه اخذ کرده است، و خود در این باره گفته است: هیچ مردی از فرزندان صحابه و فرزندان شهدا و موالی آنان نبود، مگر اینکه از او می‌پرسیدم: آیا از خانواده خود

۱. واقدی، المغازی، مقدمه تحقیق.

۲. ر.ک: بخاری، کتاب الضعفاء الصغیر، ص ۱۰۹؛ عقیلی، الضعفاء الکبیر، ج ۴، ص ۱۰۸؛ ابن حبان، کتاب المجروحین، ج ۲، ص ۲۹۰؛ نسائی، کتاب الضعفاء والمتروکین، ص ۲۱۷؛ ابن عدی جرجانی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۷، ص ۴۸۱.

۳. ر.ک: ابن سیدالناس، مقدمه عیون الاثر فی فنون المغازی والشمال والسير؛ نیز: نقد و بررسی منابع سیره نبوی، ص ۱۳۰-۱۳۳.

۴. همانا علی از معجزه‌های پیامبر ﷺ است آن‌گونه که عصا برای موسی و زنده کردن مردگان برای عیسی معجزه بود.

۵. ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۱۱. اگر چنین می‌بود جای آن داشت که در شورای مشورتی پیامبر ﷺ با اصحاب در راه بدر سخنان عمر را حذف و سانسور می‌کرد ولی چنین نکرده است (ر.ک: واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۸). به هر حال بر اساس همین گفته ابن ندیم شرح حال او در الذریعة آمده است (ر.ک: الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۱، ص ۲۹۰).

۶. شیخ مفید، الجمل، ص ۱۱۲.

۷. ر.ک: واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۷ و ۱۸.

خبری درباره شهادت و محل شهادت او شنیده‌ای؟ اگر خبری به من می‌داد به آن مکان می‌رفتم و آنجا را مشاهده می‌کردم.^۱

مغازی واقدی یکی از مصادر اصلی و کهن است که بسیاری از روایات آل‌زبیر را در خود فراهم آورده است و با اینکه موضوع کتاب واقدی برخلاف ابن‌اسحاق تنها به مغازی اخصاص یافته، اما دو برابر ابن‌اسحاق از روایات آل‌زبیر استفاده کرده است.^۲ این تأثیرپذیری نویسنده، می‌تواند از آن روی باشد که خود با یک واسطه از شاگردان آل‌زبیر است، چراکه واقدی، شاگرد زهری است و باید در نظر داشت که بخش زیادی از مغازی زهری کپی‌برداری از عروه است، و تعداد روایات زهری در مغازی به ۸۲ روایت می‌رسد^۳ و این سهم قابل توجه، تأثیر آل‌زبیر را با واسطه بر نویسنده این کتاب نشان می‌دهد.

واقدی هیچ نامی از ابن‌اسحاق نبرده است. تشابه فقرات مغازی وی با سیره ابن‌اسحاق این توهم را برای هورویتز و ولهوزن پیش آورده که واقدی مطالب خود را از او گرفته است بدون اینکه این اخبار را به ابن‌اسحاق نسبت دهد. حتی هورویتز گفته است: لفظ «قالوا» در مغازی اشاره به ابن‌اسحاق است. مارسدن جونس این استنباط او را اشتباه دانسته است، چراکه سبک نگارش افرادی چون واقدی جمع اسناد و تعبیر «قالوا» از آنهاست.^۴ روشی که نوعاً با انتقاد محدثان، از جمله احمد بن حنبل بر واقدی قرار گرفته و از آن دفاع شده است و ایرادی بر واقدی نیست.^۵

عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمایل و السیر

نوشته ابن‌سیدالناس، ابوالفتح محمد بن محمد اشبیلی مصری. خاندان او از علمای اندلس بوده‌اند و پدرش در سال ۶۷۱ق به قاهره آمد و در همان سال ابن‌سیدالناس زاده شد.^۶ در

۱. ما ادركت رجلاً من ابناء الصحابة و ابناء الشهداء و لا مولی لهم الا سألته: هل سمعت من اهلک یخبرک عن مشهده و این قتل؟ فاذا اعلمنی مضیت الی الموضوع فاعاینه (ر.ک: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۱۵).

۲. این مطلب در بخش «سهم روایات آل‌زبیر در سیره» خواهد آمد.

۳. بر اساس شمارگانی که در فهرست اعلام مغازی آمده است.

۴. ر.ک: واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۹.

۵. برای اطلاع بیشتر از واقدی و سبک کار او ر.ک: جمعی از مؤلفان، نقد و بررسی منابع سیره‌نوی،

ص ۱۲۵-۱۵۳. ۶. ابن حجر، الدرر الکامنه، ج ۴، ص ۱۳۰.

پنج سالگی به همراه پدرش به درس حدیث عبدالعزیز بن عبدالمنعم حرانی حاضر می‌شد،^۱ و در چهارده سالگی رسماً نوشتن حدیث را آغاز کرد.^۲ وی مذهب شافعی داشت و فقه شافعی را نزد ابن دقیق العید فراگرفت.^۳ ابن سیدالناس برای کسب دانش به اسکندریه، شام، حجاز، عراق و آفریقا مسافرت کرد و از اساتید بسیاری که شمار آنان نزدیک به هزار نفر می‌رسد، بهره علمی برد و در علوم مختلف فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ، نحو و... از معاصران خود پیشی گرفت.^۴ بزرگانی چون ذهبی، صفدی، سبکی و ابن حجر عسقلانی به نیکی از جایگاه رفیع علمی او یاد کرده‌اند.^۵ وی در سال ۷۳۴ق از دنیا رفت.

کتاب عیون الاثر از تألیفات اوست. وی این کتاب مهم را در بیست روز نوشت.^۶ شاید این زمان کوتاه بدان دلیل بوده که ابن سیدالناس خواسته است دو کتاب سیره ابن اسحاق و مغازی واقدی را خلاصه کرده و کتابی جامع آن دو پدید آورد. از این رو در ابتدای کتاب به معرفی منابع خود پرداخته و چون اتکای اصلی او بر همان دو کتاب بوده، بخش قابل توجهی را به دفاع از ابن اسحاق و واقدی اختصاص داده و به ایرادهای برخی علمای اهل سنت پاسخ داده است. بر این اساس هر چند عیون الاثر منبع اولیه برای دو کتاب مزبور نمی‌باشد، اما این امکان را به ما می‌دهد که اولاً چنانچه قطعاتی از روایات ابن اسحاق و واقدی از آل‌زیبیر را از قلم افتاده به دست آوریم. ثانیاً نسخه‌های زیاد این کتاب که جرجی زیدان و محققان کتاب عیون الاثر به آنها اشاره کرده‌اند،^۷ افزون بر دلالت این موضوع بر اهمیت و توجه بسیار علمای بعدی به این کتاب، مقایسه روایات آل‌زیبیر را با نسخه موجود سیره ابن اسحاق و واقدی، آسان‌تر و مطمئن‌تر کرده و ارزش این کتاب را برای نقد و بررسی روایات آل‌زیبیر کاملاً روشن نموده است.

از نکات مهم دیگر این کتاب استفاده ابن سیدالناس از مغازی موسی بن عقبه (م ۱۴۱ق) و نقل قطعاتی از آن است که با از بین رفتن کتاب موسی بن عقبه ارزش کتاب عیون الاثر

۱. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۳۰۸ و ۳۰۹؛ ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۶، ص ۱۰۸؛ ابن حجر، الدرر الکامنه، ج ۴، ص ۱۳۰.
 ۲. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۳۰۹.
 ۳. ابن حجر، الدرر الکامنه، ج ۴، ص ۱۳۰؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۲۹۰ و ۳۰۹.
 ۴. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۲۹۰؛ ابن کثیر، البدایة و النهایه، ج ۱۴، ص ۱۷۸.
 ۵. سبکی، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۹، ص ۲۶۹؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ابن حجر، الدرر الکامنه، ج ۴، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.
 ۶. ابن حجر، الدرر الکامنه، ج ۴، ص ۱۳۰.
 ۷. جرجی زیدان، تاریخ ادب اللغة العربیة، ج ۱، ص ۱۶۴؛ ابن سیدالناس، عیون الاثر، مقدمه تحقیق، ج ۱، ص ۱۷ و ۱۸.

ابن سیدالناس افزون شده و به همین دلیل منبع ارزشمندی برای دستیابی به گزارش‌های یکی از مهم‌ترین سیره‌نویسان قرن دوم از خاندان زبیر است.

ب) کتاب‌های تاریخ عمومی

تاریخ خلیفه بن خیاط

ابو عمرو خلیفه بن خیاط معروف به شَبَاب عَضْفَری (م ۲۴۰ق). ابن‌کثیر او را از پیشوایان دانش تاریخ نام برده است. از مورخان بصری است که به نظر می‌رسد حتی به بغداد هم نرفته و خطیب بغدادی در تاریخ بغداد اندک اشاره‌ای به او نکرده است. در نتیجه بیشتر اساتید وی از علمای بصره‌اند. بصره در قرن سوم از پایگاه‌های مهم علمی و فرهنگی و در عین حال با گرایش عثمانی به شمار می‌رفته است. به دلیل پرورش خلیفه بن خیاط در چنین محیطی هیچ‌گونه گرایش شیعی در او یافت نشده و شاید به همین دلیل از زیر تیغ علمای جرح و تعدیل به سلامت رهیده است و او را توثیق کرده‌اند.

کتاب التاریخ، به روایت بقی بن مِخْلَد قرطبی (۲۰۱-۲۷۳ق) است و گفته‌اند که وی نخستین کسی است که دانش تاریخ را به اندلس برد. تاریخ خلیفه را قدیمی‌ترین اثر تاریخی عمومی برشمرده‌اند که به صورت سال‌شماری حوادث را ثبت کرده است. وی کتاب خود را با مقدمه‌ای درباره اهمیت تاریخ و نیز تأسیس تاریخ آغاز کرده و از مولدالنبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا سال ۲۳۲ق ادامه داده است.

خلیفه بن خیاط بیشتر بر اطلاعات آماری، صاحب‌منصب‌ها، شهرها و امیران تأکید دارد و همچنین می‌کوشد گزارش‌هایش به صورت مسند ارائه شود. از این رو در بخش سیره، ۱۷۸ روایت مسند ذکر کرده است. این مطلب با توجه به تعداد مختصر ۶۲ صفحه‌ای سیره، رقم بالایی است، که روش تاریخ‌نگاری حجازی (معنعن بودن گزارش‌های تاریخی) مؤلف را نشان می‌دهد و این امکان را به ما می‌دهد تا آمار دقیقی از روایات آل‌زبیر را به دست آوریم.

نکته مهم دیگری که در تاریخ‌نگاری خلیفه بن خیاط قابل توجه است، بی‌توجهی وی به حوادث درونی جامعه اسلامی و قیام‌ها و شورش‌ها و توجه بیشتر او به فتوحات است. این مطلب می‌تواند برخاسته از نگاهی باشد که در مکتب تاریخ‌نگاری ابن‌هشام بیان شد؛ یعنی دوری از مشاجرات صحابه و پرهیز از اخباری که قانون «عدالت صحابه» را خدشه‌دار می‌کند. نشانه این گرایش را نیز می‌توان در توجه بیشتر خلیفه بن خیاط در تاریخ خود به

اخبار بنی‌امیه بیش از اخبار بنی‌عباس به دست آورد. بدیهی است که چنین نگاه و رویکردی، او را به گزینش و چینش چه دسته‌ای از اخبار سوق می‌دهد. بر این اساس خلیفه بن خیاط در بخش سیره، بیشتر از سیره ابن اسحاق و در تاریخ خود از روایات قابل توجهی از خاندان زبیر استفاده کرده است. از این رو برای مقایسه با سیره ابن هشام مناسب است.

تاریخ الطبری

محمد بن جریر بن یزید طبری آملی (م ۲۲۴/۲۲۵-۳۱۰ق)^۱ در فقه، حدیث، تاریخ، علوم قرآن، تفسیر، لغت و دیگر علوم تبحر داشت. در فقه، او را هم ردیف مالک و شافعی قرار داده‌اند. او حتی مکتب فقهی جدیدی تأسیس کرد، تا جایی که چیزی نمانده بود که در کنار فقه چهارگانه اهل سنت، فقه طبری نیز ابداع شود!

عصر طبری، عصر منازعات فرقه‌ها و مذاهب مختلف در قرن سوم و بغداد است. طبری با اهل الحدیث بغداد درافتاد و این خشم آنان را بر علیه او برانگیخت به طوری که در یک جلسه او را زیر لگد گرفته و پس از اینکه به خانه رفت او را سنگباران کردند. و وقتی درگذشت او را شبانه دفن کردند.^۲

تألیفات طبری مهم و فراوان است از جمله در تاریخ: تاریخ الطبری؛ در فقه: اختلاف الفقهاء؛ در حدیث: تهذیب الآثار و در تفسیر: جامع الیابان فی تفسیر القرآن را نوشت. طبری در رد سخنان پسر ابوداود سجستانی که منکر حضور امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیر خم و رد حدیث ولایت بود کتاب الولایة را نوشت و همین کتاب یکی از علل اتهام وی به تشیع شد.

تاریخ الامم والملوک، معروف به تاریخ الطبری گسترده‌ترین کار او در تاریخ است که از هبوط آدم و رسالت پیامبران شروع می‌شود و تا سال ۳۰۲ق ادامه می‌یابد. شیوه نگارش این کتاب سال‌شمارانه است. روش طبری در ارائه گزارش‌های تاریخی غالباً به صورت مسند است و سعی دارد روایات مختلف را درباره یک حادثه جمع‌آوری کند. وی در بخش سیره نبوی، که محدوده این رساله است از منابع کهن و تألیفات سیره‌نویسان اولیه مدینه چون ابان بن

۱. درباره طبری و شرح حال او ر.ک: کیهان اندیشه، ش ۲۵، س ۱۳۶۸ «ویژه‌نامه طبری»، دکتر جواد علی، «موارد تاریخ الطبری».

۲. یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۹، ص ۴۰ و ۴۳ و ۵۶-۵۷؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۹؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۱۵۷.

عثمان بن عفان، ابن شهاب زهري، مغازی موسی بن عقبه و مغازی ابن اسحاق و مغازی واقدی استفاده کرده است. از این رو تاریخ طبری در شمار چند کتاب مهم و کهن و دست اول روایات آل زبیر به شمار می آید.

تاریخ یعقوبی

یعقوبی اصالتاً ایرانی و از اصفهان است. نیای سوم او واضح از موالی منصور دوانیقی و صالح بن منصور بوده است. از این رو خاندان واضح به عباس معروف بودند و خود یعقوبی نیز به «ابن واضح» شهرت یافت. واضح در سال ۱۶۲ق حاکم مصر شد. پس از شهادت حسین بن علی، معروف به شهید فخر (م ۱۶۹ق) در زمان خلافت هادی (۱۶۹-۱۷۰ق) ابن واضح، ادريس بن عبدالله بن حسن را که به مصر فرار کرده بود به مغرب به سرزمین طنجه فرستاد و وی در شهری به نام «ولیل» اقامت کرد و پس از مسلمان شدن بربریان حکومت اداره (ادریسیان) را در مغرب تأسیس کرد. هادی عباسی به جرم همکاری واضح در فرار ادريس او را گردن زد و به شهادت رساند. تاریخ تولد یعقوبی معلوم نیست. ظاهراً در بغداد تولد یافته است. وی سیاح بود؛ از این رو یکی از قدیمی ترین جغرافی نویسان مسلمان است. زندگانی او به دو قسمت مشرق زمین تا سال ۲۶۰ق و مغرب زمین از سال ۲۶۰ق تا آخر عمر تقسیم می شود.

یعقوبی دوران جوانی خود را در ارمنستان و خراسان گذراند و در خدمت طاهریان و کاتب آنان و شاهد فتوحات ایشان بوده و گزارش های آنان را در یک کتاب گرد آورد. وی مدتی مقام منشی گری حاکمان ارمنستان را نیز داشت. یعقوبی پس از سال ۲۶۰ق به هند و مصر و بلاد مغرب رفت و در خدمت طولونیان (حکومت ۲۵۳-۲۹۲ق) بود. از این رو یعقوبی به «ابن واضح مصری» نیز شهرت دارد.

چنان که گذشت نیای سوم او واضح، از شیعیان اهل بیت بود و جان خود را نیز در این راه از دست داد. تشیع یعقوبی نیز در کتاب تاریخ او به خوبی مشهود است. روایت کردن حدیث غدیر و تقلین و تفسیر آن به کتاب و عترت. تصریح به صحت شأن نزول آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ^۱» در نصب امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیر خم؛ همچنین آوردن عبارت امیرالمؤمنین علیه السلام فقط برای علی علیه السلام در تاریخ خود و تصریح جرجی زیدان و هوتسما^۲ خاورشناس

۲. Hovtsma, ۱۸۵۱-۱۹۴۳م.

۱. مائده، ۳.

هلندی و سارتن به تشیع یعقوبی، از جمله شواهد و ادله تشیع اوست. یعقوبی کمترین روایات آل‌زبیر را نقل کرده و این گویای بی‌اطمینانی این مورخ شیعی به گزارش‌های آل‌زبیر است.

ج) کتاب‌های تبارشناسی و دودمانی

نسب قریش

نویسنده آن مصعب بن عبدالله، از نوادگان عبدالله بن زبیر و یکی از دانشمندان این خاندان است. شرح حال او در «آشنایی با آل‌زبیر» خواهد آمد. در اینجا تنها به این نکته اشاره می‌شود که هر چند به دلیل زبیری بودن نویسنده و آگاهی‌های خاص و ریز و دقیق او از خاندان خود، برای شناخت این خاندان و روایات آنان در سیره نبوی نمی‌توان از روایات او بی‌نیاز بود، اما یک جانبه‌گرایی نویسنده در نقل روایاتی که چهره این خاندان را خدشه‌دار می‌کند و یا نقش کمرنگی به آنان در سیره نبوی می‌دهد و نیز به دلیل مناسبات سیاسی و اجتماعی این خاندان با خلفا و تأثیر این موضوع بر پرهیز از نقل روایاتی که خوشایند خود او و یا خلفا نبوده، از موارد ضعف این کتاب و کتاب بعدی است.

نسب قریش و اخبارها

نویسنده آن یکی دیگر از دانشمندان آل‌زبیر به نام زبیر بن بگّار، از نوادگان عبدالله بن زبیر است. شرح حال او در «آشنایی با آل‌زبیر» خواهد آمد. آگاهی‌های این کتاب برگرفته از کتاب نسب قریش و گزارش‌های دیگری است که می‌توان آن را حاشیه‌ای بر کتاب نسب قریش دانست. هر چند دکتر سامی المکی العانی بر این باور است که زبیر بن بگّار گرایش‌هایی به تشیع داشته، اما چنین گرایشی در زندگی او یافت نشده و بر عکس او مورد اطمینان و اعتماد عباسیان بوده است؛ از این رو همان ملاحظات و نکاتی که درباره نسب قریش مصعب زبیری بیان شد، درباره این کتاب نیز صادق است.

انساب الاشراف

احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (م ۲۷۹ق) از مورخان پارسی‌نژاد؛ اما در بغداد متولد شده است. سال تولد او را بین ۱۷۰ تا ۱۸۰ق تخمین زده‌اند. بلاذری به مناطق گوناگون جهان